

# دستنامه آموزشی حقوق زن از دیدگاه اسلام

(با تاکید بر سنگسار، درّه، قتل‌های ناموسی و ازدواجهای اجباری)

انستیتوت زنان، صلح و امنیت

سال ۱۳۹۲

نویسندگان: داکتر یحیی بلاغت و داکتر ابراهیم رضایی

مشاور و هماهنگ کننده: داکتر عبدالعزیز نوری

تمویل کننده: شبکه بین المللی زنان تحت قوانین اسلامی (WLUML)

«این دستنامه با همکاری شبکه بین المللی زنان تحت قوانین اسلامی (WLUML) و انستیتوت زنان، صلح و امنیت (RIWPS) توسط مرکز حقوق بشر دانشگاه کاتب (KHRC) تهیه شده است. تمام حقوق مادی و معنوی این دستنامه به انستیتوت زنان، صلح و امنیت تعلق دارد و استفاده از آن تنها با ذکر منبع مجاز است.»

## انستیتوت زنان، صلح و امنیت (RIWPS)

انستیتوت زنان، صلح و امنیت (RIWPS) نهادی است که اندیشه ایجاد آن در سال ۲۰۱۰ پس از برگزاری نخستین لویی جرگه مشورتی صلح مطرح شد و در سال ۲۰۱۱ تاسیس گردید. هدف محوری این انستیتوت افزایش نقش و رهبری زنان در پروسه های صلح و امنیت در کشور می باشد. انستیتوت به این باور است که زنان افغان با در نظر داشت نقش های سنتی و امروزی شان سهم مهمی را در ایجاد و تحکیم صلح ایفا می نمایند. نیاز است تا نقش زنان در پروسه های صلح و امنیت ملی و محلی مستند سازی و انکشاف داده شود. انستیتوت نقش رهبری زنان را مستند سازی نموده و از طریق انسجام اجتماعی و فعالیت های دادخواهی تقویه می کند تا زنان جایگاه خود را در اجتماع پیدا کرده و برای تثبیت جایگاه خود با ساختارهای حکومت داری محلی و ملی مذاکره نمایند.

**دورنمای انستیتوت:** گسترش یک نگرش جدید برای صلح و امنیت در افغانستان که شامل دیدگاه های زنان است.

**ماموریت:** به کار انداختن دانش زنان رهبر در جنبش های محلی، تقویت ظرفیت های آنان و انجام تحقیق برای ازدیاد امنیت زنان در اولویت کاری انستیتوت قرار دارد.

رویکرد استراتژیک: انجام تحقیقات و جمع آوری مدارک در باره همکاری زنان در صلح و امنیت، دادخواهی و حمایت از راه تشریک

آگاهی ها، آموزش ها و توانمند سازی، هماهنگی با همکاران و سهم گیرندگان روند صلح و امنیت برای زنان.

انسستیتوت زنان، صلح وامنیت دو سطح برنامه ای دارد:

۱- شمولیت زنان در روند صلح از سطح ملی تا محلی

۲- محافظت زنان از خشونت های مبتنی بر جنسیت، به مثابه پیش شرط لازم برای مشارکت آنان در صلح و ثبات افغانستان.

آدرس: سرک هشتم، تایمنی، کابل

وب سایت: [www.riwps-afghanistan.org](http://www.riwps-afghanistan.org)

ایمیل آدرس: [info@riwps-afghanistan.org](mailto:info@riwps-afghanistan.org)

## شبکه بین المللی زنان تحت قوانین اسلامی (WLUML)

شبکه بین المللی زنان "تحت قوانین اسلامی" (WLUML) یک شبکه همبستگی بین المللی است که برای زنانی که زندگیشان بوسیله قوانین و آداب و رسوم برگرفته از اسلام شکل داده شده و یا اداره شده است اطلاعات تهیه می‌کند، از آنها حمایت می‌کند و برای آنها فضای مشترک بسازد.

برای بیشتر از دو دهه شبکه زنان تحت قوانین اسلامی (WLUML) زنان و سازمانهای مختلف زنان را به هم پیوند داده است و در حال حاضر بیش از ۷۰ کشور از جنوب آفریقا تا ازبکستان، از سنگال تا اندونزی و از برزیل تا فرانسه را به هم مرتبط می‌کند. این شبکه زنانی را به هم پیوند می‌دهد که:

- در کشورهایی زندگی می‌کنند که یا اسلام یک دین دولتی است و یا دولت با اکثریت جمعیت مسلمان سکولار است و یا جوامع مسلمانی که بوسیله قوانین مذهبی اقلیتها اداره می‌شوند.
- در کشورهای سکولاری زندگی می‌کنند که گروههای سیاسی خواهان قوانین مذهبی هستند.
- بخشی از جوامع مسلمان مهاجر در اروپا، آمریکا و یا دیگر نقاط جهان هستند.
- مسلمان نیستند و ممکن است قوانین اسلامی درباره آنها به طور مستقیم و یا از طریق فرزندانشان اعمال شود.

## هدف تهیه دستنامه و آموزش آن

این دستنامه با موضوع حقوق زن از دیدگاه اسلام با همکاری شبکه بین المللی زنان تحت قوانین اسلامی و انستیتوت زنان صلح و امنیت و مرکز حقوق بشر دانشگاه کاتب برای بالا بردن آگاهی فعالین حقوق آماده شده است و در یک دوره آموزشی سه روزه تدریس می‌شود. در این دوره آموزشی دیدگاههای اسلامی و استدلالهای اصلی در زمینه حقوق زنان با تاکید بر مباحثی مانند زنا، سنگسار، ازدواج های اجباری، قتل های ناموسی وغیره به بحث گرفته شده است.

از آنجا که متأسفانه بسیاری از خشونتها علیه زنان با توجیحات اسلامی صورت می‌گیرد، هدف از این دوره آموزشی سه روزه این است که آگاهی افراد و سازمانهای فعال در زمینه حقوق زن از اصول اسلامی در مورد رفتار با زنان افزایش یابد تا آنها بتوانند با برداشتهای نادرست که رنگ اسلامی دارد مقابله کنند.

## فهرست مطالب

۸ ..... شرح مفاهیم

۱۰..... پیشگفتار

### فصل اول: حدود اسلامی و حقوق زن

۱۳ ..... گفتار اول: تعریف و تعداد حدود

۱۳ ..... الف - تعریف حدود

۱۵ ..... ب - تعداد حدود

۱۷ ..... گفتار دوم: جرم زنا و مجازات آن در اسلام

۱۷ ..... الف - تعریف زنا

۱۸ ..... ب - انواع حد زنا

ب - ۱ - سنگسار یا رجم ..... ۲۰

ب - ۲ - شلاق یا درّه ..... ۲۵

ج - راههای اثبات زنا ..... ۲۷

### فصل دوم : خشونت علیه زنان و قتل‌های ناموسی

گفتار اول: خشونت علیه زنان ..... ۳۵

الف - تعریف خشونت علیه زنان ..... ۳۵

ب - آسیب‌های خشونت علیه زنان ..... ۳۸

ج - خشونت علیه زن در فقه اسلامی ..... ۳۹

گفتار دوم: قتل‌های ناموسی ..... ۴۱

### فصل سوم: ازدواج اجباری

گفتار اول: تعریف ازدواج اجباری ..... ۴۴

گفتار دوم: عوامل ازدواج اجباری ..... ۴۵



- الف - اجبار والدین ..... ۴۵.....
- ب - اجبار سرپرست ..... ۴۶.....
- ج - خواست خود زن ..... ۴۶.....
- د - رسوم و عنعنات ..... ۴۷.....
- گفتار سوم: اسلام و ازدواج اجباری ..... ۴۷.....
- منابع ..... ۵۰.....

## شرح مفاهیم

**حقوق بشر:** به مجموعه ای از حقها گفته می شود که هر فرد انسانی فارغ از هر تقسیم بندی مانند جنسیت، نژاد، مذهب، تابعیت و... به صورت برابر با دیگران از آنها برخوردار است. برخی از حق های بشری عبارتند از حق حیات، حق بر آزادی بیان، حق بر برخورداری از محاکمه منصفانه، حق بر آزادی عقیده و مذهب، حق بر کار و حق بر آموزش. حق های بشری به یکدیگر وابسته بوده و دولتها ملزم به رعایت و توسعه این حقوق می باشند.

**حقوق زنان:** شاخه ای از حقوق بشر است. فعالان و طرفداران حقوق زن بر این باورند که زنان به دلایل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... به صورت برابر با مردان از حقوق بشری خویش برخوردار نیستند و دولتها باید سیاستها و پالیسیهایی را برای بهره مندی آنان از تمام حقوق بشری شان انجام دهند.

**فقه:** شاخه ای از علوم اسلامی است. فقه ابزاری است که فقیه با استفاده از آن از منابع شریعت اسلام (قرآن، سنت، اجماع، عقل و قیاس) احکام شرعی فرعی را بدست می آورد.

**سنگسار:** یکی از روشهای مجازات است که با پرتاب سنگریزه بر بدن مجرم انجام می گیرد.

**دره:** دره یا شلاق زدن یکی از روشهای مجازات است که بر مرتکبین برخی از حدود اسلامی مانند زناى غير محصنه و كسى كه شراب بنوشد اعمال مى گردد.

**ازدواج اجبارى:** شكلى از ازدواج است كه دختر و پسر بدون رضایت هر دو یا یکی از آنها به اجبار نکاح شوند.

**حدود:** حدود به برخی مجازاتهای بدنی با اندازه‌های مشخص گفته می شود که شارع برای جرایمی خاص تعیین کرده است.

**تعزیرات:** تعزیر در حقوق جزای اسلام به کیفری گفته می شود که شارع برای آن اندازه ای تعیین نکرده است و قاضی می تواند برای آن مقدار تعیین کند.

## پیشگفتار

دین مقدس اسلام دینی جاودانی و ابدی است که از آموزه های بنیادین آن مقام خلیفه اللهی<sup>۱</sup> آدم و کرامت ذاتی<sup>۲</sup> بشر است. بر اساس همین آموزه کرامت ذاتی و الهی بشر است که در اسلام رفتار کرامت مدار با انسان توصیه شده است و صرف انسان بودن فارغ از تعلق به نژاد، قوم، قبیله، مذهب و مرد و زن اقتضای رفتار انسانی را دارد نه درنده خویی را<sup>۳</sup>. پس اسلام ظلم و تبعیض را ممنوع ساخته است<sup>۴</sup> و آن را موجب توهین به مقام والای انسانی دانسته است.

با این وجود در افغانستان عرفها و رفتارهایی دیده می شوند که مانع برخورداری زنان از این حقوقشان می شوند. با وجود آنکه این عرفها و رفتارها ریشه و بنیادی در شریعت اسلام نداشته و شارع مقدس آنها را نهی نموده است، عده ای برای این رفتارهای نادرست خود لباس شریعت پوشانده و با نام اسلام حقوق زنان را نفی و نقض می کنند و برخی نیز ناآگاهانه این کارها را تقلید می کنند. در این دستنامه که توسط سه تن از متخصصین فقه و حقوق تهیه گردیده است، کوشش شده است با تکیه بر منابع شرعی، بر برداشتهای نادرستی که رنگ شریعت دارند خط بطلان کشیده و با استناد بر منابع شرعی و متون فقهی ابزارهایی را به دست فعالان حقوق زن بدهد تا با کمک آنها سره را از ناسره تفکیک کرده و از حقوق زن، آن گونه که شریعت اسلام به رسمیت شناخته است، آگاه شوند.

رویکرد در این تحقیق توجیه و یا عدول از مسلمات دین اسلام نمی باشد، بلکه در ابتدا روشن نمودن انحرافی است که در عمل از آموزه ها و احکام فقه اسلامی و شرایط اجرایی آن صورت گرفته است و بعد از آن باز اندیشی برخی از احکام فقهی در پرتو اصول و مسلمات اسلام، قرآن کریم و سنت اسلامی می باشد. دستنامه در سه فصل تهیه شده است که عبارتند از حدود اسلامی و حقوق زن، خشونت علیه زنان و ازدواجهای اجباری.

## فصل اول : حدود اسلامی و حقوق زن

یکی از مباحث بحث بر انگیز در تبیین مناسبات بین فقه اسلامی و آموزه حقوق بشری بصورت عام و حقوق زن بطور خاص، مسئله حقوق زن و حدود اسلامی می باشد. حدود در فقه اسلامی یکی از سه نوع از مجازات ها است که عموماً مجازات های بدنی می باشد. سنگسار و شلاق که مجازات جرم زنا است و در افغانستان و بعضی از کشورهای اسلامی دیگر به استناد احکام فقهی اجرا می شود، از مهمترین و بحث برانگیزترین موارد است. این دو نوع مجازات حدی با استناد به اسلام تطبیق و تنفیذ می گردد و سازگار با حقوق بشر بطور عموم و حقوق زن بصورت خاص دانسته نمی شود.

بررسی تفصیلی این بحث طی گفتارهایی و با استناد به منابع فقهی و اصول مسلم اسلامی و تفسیر مبتنی بر روش منطقی و معقول ارائه می شود.

## گفتار اول: تعریف و تعداد حدود

### الف - تعریف حدود

در فقه اسلامی جرایم بر اساس مجازات‌شان به سه دسته حدود، قصاص - دیت و تعزیرات تقسیم می‌شود.<sup>۵</sup> هریک از این دسته جرایم خصوصیات و ویژگی‌های خود را دارد و برای فهم کامل این جرایم در آغاز ضروریست که این سه قسم تعریف شود. در کتابهای فقهی از حدود، تعریف نسبتاً واضح و جامعی ارائه شده است. حدود جمع حد است و حد در لغت به معنی منع نمودن است. به همین دلیل به دربان حداد گفته می‌شود، زیرا مانع از داخل شدن در خانه می‌شود.

در فقه اسلامی حدود به مجازات معین (از نظر نوع مجازات و مقدار آن) گفته می‌شود که حق خداوند است و تعزیرات مجازاتی غیر معین از نظر نوع و میزان است و قصاص و دیت با آنکه معین است حق الناس می‌باشد.<sup>۶</sup>

توضیح اینکه جرایم در فقه اسلامی بر اساس مجازات‌شان بر مبنای دو معیار اختیار و عدم اختیار قاضی و حاکم اسلامی در تغییر آن از جهت نوع و مقدار مجازات و حق الناس یا حق الله (دولت- جامعه) بودن مجازات‌ها، به سه دسته حدود، قصاص - دیت و تعزیرات تقسیم می‌شوند. اگر مجازات یک جرمی بصورت دقیق و از نظر نوع و میزان تعیین شده باشد و قاضی و حاکم اسلامی حق تغییر در

میزان و نوع آن را نداشته باشد و همچنین حق الله باشد که توسط اشخاص قابل گذشت و بخشش نباشد، جرم مزبور از جمله جرایم حدود شمرده می شود.

اگر مجازات یک جرمی بصورت دقیق تعیین شده باشد و حق الناس باشد، جرم جزء جرایم قصاص و دیت شمرده می شود و در صورتی که تعیین میزان دقیق مجازات یک جرمی در صلاحدید قاضی و حاکم اسلامی باشد تعزیرات است.

بر اساس این تعریف مجازات جرایم حدی هم از نظر نوع مجازات تعیین شده و مشخص می باشد و هم از جهت میزان مجازات معلوم و معین می باشد. قاضی و حاکم اسلامی نمی تواند بر اساس صلاحدید و تشخیص شخصی خود تغییری در میزان و یا نوع جزای جرم حدی ایجاد کند.

در حقیقت مشکل اساسی و اصلی جرایم حدی نیز در همین محدودیت می باشد. زیرا امروزه مجازاتی که در فقه اسلامی برای جرایم حدی تعیین شده است مخالف با حقوق بشری انسان دانسته میشود و این نوع از مجازات موجب نفی کرامت بشری مجرم دانسته میشود. در عین حال بر اساس تعریف مشهور، قاضی و همچنین حاکم اسلامی حق و صلاحیت هیچ گونه دخل و تصرفی را ندارد تا بتواند مجازات را تغییر دهد و مثلا سنگسار را به حبس تبدیل نماید.



## ب - تعداد حدود

در تعداد جرایم حدی بین فقها و مذاهب اسلامی اختلاف فتوا و نظر دیده می شود. بر اساس نظر مشهور در فقه اهل سنت، تعداد جرایم حدی هفت جرم می باشد که عبارت است از زنا، قذف، شرب خمر و نوشیدن مسکرات، سرقت، حرابه یا محاربه، بغی و بغاوت، رده و ارتداد.<sup>۷</sup> در فقه شیعه نیز ۷ جرم را از جرایم حدی شمرده اند، مانند زنا، لواط، مساحقه، قذف، شرب خمر، سرقت و قطع الطریق.<sup>۸</sup> بحث حدود در کتب کلاسیک فقهی معمولاً در یک باب و کتاب مستقل تحت عنوان حدود، مورد بحث قرار میگیرد. در کتب فقهی در کتاب حدود، ضمن تعریف حدود و تعریف هریک از جرایم حدی، ارکان و عناصر اختصاصی هریک از آنها، مجازات معینه هریک، راههای اثبات و شرایط آنها به دقت بیان می شود.

از نظر جرم یکی از خصوصیات بارز جرایم حدی، جدی و بزرگ بودن این جرایم از منظر اسلام و ارزشهای دینی می باشد. این جرایم ارزشهای بنیادین اسلامی را نفی می کند و ارزشهای اساسی و متعالی اسلام را مضمحل می سازد. از نظر مجازات، ویژگی اساسی حدود، مجازات اغلب بدنی برای این جرایم می باشد که امروزه از جمله مجازات های منسوخ و غیر قابل قبول جامعه بین المللی تلقی می شود.

اگرچه صرف عدم پسند جامعه بین المللی نمی تواند موجب نفی و طرد یک مجازات اسلامی شده و حرام الهی را حلال کند، اما عدم هماهنگی مجازات با ضرورت های جامعه و جهان می تواند باعث گردد که در نحوه و نوع مجازات تغییر ایجاد کرد. از مجازات هایی که ریشه در فقه اسلامی دارد و از جمله مجازات های جرایم حدی است و دچار چنین چالشی شده است، مجازات سنگسار (رجم) و نیز شلاق است که مجازات جرم زنا می باشد. البته شلاق مجازات جرایم حدی دیگری نیز است. بنابراین جهت تبیین مسئله و توضیح آن ضروریست که جرم و معصیت زنا و مجازات آن بررسی و تحلیل گردد.

## گفتار دوم: جرم زنا و مجازات آن در اسلام

### الف – تعریف زنا

زنا یکی از جرایم حدی است که در اسلام حرام دانسته شده و گناه بس بزرگ شمرده شده است. زنا عبارت است از آمیزش جنسی بین زن و مردی که علقه و ارتباط عقد ازدواج بین شان نیست و برای همدیگر حلال نمی باشند<sup>۹</sup>. حرمت زنا در اسلام بر پایه این دیدگاه استوار شده است که این جرم اساس جامعه را که خانواده باشد با خطر اضمحلال مواجه می سازد و ارزشهای اسلامی را نابود می کند. در احادیث متعددی که از پیامبر (ص) روایت شده است زنا دارای آثار شوم است. از جمله دو حدیث ذکر می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند آدم کاری نکند سخت تر و سنگین تر و بزرگتر در نزد خداوند عزوجلّ از اینکه یا شخص پیغمبری را بکشد، یا خانه کعبه که خداوند آن را قبله‌گاه بندگانش قرار داده است خراب کند و یا نطفه خود را در رحم زنی که به او حرام است بریزد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنا موجب فقر و تنگدستی است و آبادیها را بدون سکنه باقی می‌گذارد.<sup>۱۰</sup>

## ب - انواع حد زنا

جرم زنا بر اساس شرایط مرتکب آن از نظر همسر داشتن و دسترسی به همسر خود و یا مجرد بودن، به دو گونه زنا محصنه و زنا غیر محصنه با مجازات (حد) سنگسار (رجم) و شلاق (دره) تقسیم می‌شود.

هر زناکاری که همسر ندارد و یا دست رسی به همسر خود ندارد مرتکب جرم زنا گردد، زناکار غیر محصنه شمرده می‌شود<sup>۱۱</sup> که جزای

۱۰۰ ضربه شلاق (دره) دارد. اگر مرتکب زنا همسر داشته و دسترسی به همسر خود نیز داشته باشد و این جرم را انجام دهد، زنا

محصنه است و مجازات آن سنگسار می‌باشد.

به استناد آنچه گفته شد، سنگسار یکی از مجازات‌هایی است که برای مرتکب جرم زنا محصنه در فقه اسلامی معین شده است و از جزای حدی است. یعنی بر اساس قرائت و فتوای مشهور از حدود، این مجازات قابل تبدیل به نوع دیگری از جزا و یا تغییر میزان مجازات نمی باشد. چنین مجازاتی امروزه از منظر حقوق بشری مورد اعتراض و انتقاد قرار گرفته و مخالف با کرامت ذاتی بشر دانسته شده است.

رجم و سنگسار در افغانستان در دوران طالبان بصورت گسترده تر و هم چنین در زمان فعلی در بعضی از مناطق افغانستان اجرامی شود و هر از چند گاهی زنان و مردانی به اتهام زنا سنگسار و یا تیر باران شده اند و در مجامع بین المللی و همچنین در داخل افغانستان و بخصوص توسط نهادهای حقوق بشری این نحوه از مجازات مورد تقبیح قرار گرفته و محکوم شده است. یکی از دلایل محکومیت این مجازات نحوه اجرای آن است که از منظر بشریت امروزی وحشیانه و غیر قابل قبول دانسته می شود. نحوه اجرای این مجازات حسی از بی حرمتی به شأن و منزلت و کرامت انسانی را بر می انگیزد و مخالف با کرامت ذاتی بشر دانسته می شود.

لازم به تذکر است که مشکل در خود مجازات است نه در جرم دانستن و ممنوع بودن زنا. پس سخن بر این نیست که چنین عملی باید مباح دانسته شود و جرم انگاری نشود. بلکه مشکل بر این نوع از مجازات است که قابل هضم و قبول برای بشریت قرن بیست و یک نمی باشد. رجم و سنگسار و همچنین شلاق و دره به عنوان مجازات نیازمند تبیین و توضیح بیشتر می باشد که در ذیل بیان می شود.

### ب- ۱- سنگسار یا رجم

در اکثر کتاب های فقهی با عباراتی شبیه به عبارت ذیل مواجه می شویم: «سنگسار مجازات ارتکاب زناى محصنه است. در فقه اسلامى جرم زنا از جمله گناهان بزرگ بوده و از جرایم حدی نیز می باشد»<sup>۱۲</sup>.

اما مجازات زنا در اسلام از ابتدای اسلام دچار تحول بوده است و تغییر یافته است. سرخسی در المبسوط که از کتابهای مهم فقهی اهل سنت در فقه حنفی می باشد در این زمینه چنین توضیح داده است.

«حد زنا دو نوع سنگسار برای مرتکب محصن و شلاق برای مرتکب غیر محصن است. در ابتدا مجازات زنا حبس در خانه و اذیت لسانی بود، سپس بر اساس حدیث پیامبر تبدیل به شلاق و سنگسار شد و بعد آیه سوره مبارکه نور نازل شد و مجازات شلاق را تعیین نمود و

اکنون مجازات شلاق بگونه اجماعی بر اساس قرآن کریم و مجازات رجم و سنگسار بر اساس روایت تنها برای محصن است. البته خوارج سنگسار را به دلیل اینکه در قرآن بیان نشده و نیز در اخبار متواتر ذکر نشده را قبول ندارند<sup>۱۳</sup>.

برای تبیین مجازات رجم (سنگسار) در اسلام نیازمند بررسی آن از جهت دلایل فقهی، شرایط اثبات و اجرا، اهداف مجازات ها و نیز نقش زمان و مکان در تفسیر از احکام اسلامی و اجرای آن می باشد.

### دلایل فقهی مجازات سنگسار در اسلام

سنگسار بر خلاف شلاق که در قرآن کریم به عنوان مجازات زنا ذکر شده است<sup>۱۴</sup> در قرآن کریم نیامده است اما در فقه رجم و سنگسار مجازات زنا محصنه دانسته شده است. بنابراین مجازات سنگسار بر خلاف مجازات های عمده در اسلام ریشه در قرآن کریم ندارد و به تعبیر دیگر به مجازات سنگسار در قرآن کریم تصریح و اشاره نشده است. به همین دلیل در تاریخ اسلام شاهد فرقه ها و گروههای هستیم که قایل به مجازات سنگسار در اسلام نبوده اند.<sup>۱۵</sup>

و حکى عن الخوارج أنهم قالوا: لا رجم فى شرعنا، لأنه ليس فى ظاهر القرآن، و لا فى السنه المتواتره<sup>۱۶</sup>

از خوارج نقل شده است که آنها رجم را قبول نداشتن، زیرا این مجازات نه در قرآن کریم بیان شده است و نه در سنت متواتر. اما با آنکه به حکم سنگسار در قرآن کریم تصریح نشده است، در فقه اسلامی دلایلی برای حکم سنگسار وجود دارد که عبارت اند از:

## اجماع

اجماع عبارت است از اتفاق فتاوی فقها در حکم یک مسئله. فقها در موارد متعددی به اجماع به عنوان یکی ادله و منابع حکم فقهی استناد نموده اند، از جمله برای حکم سنگسار به اجماع استناد نموده اند.<sup>۱۷</sup>

از نظر اعتبار، اجماع در فقه اهل سنت بصورت گسترده و مطلق مستند حکم فقهی و مورد قبول است و در فقه شیعه بصورت مشروط و یا بصورت بهتر گفته شود، اجماع جایگاه اصیل و واقعی در فقه شیعه ندارد.

اجماع در مورد سنگسار از جهت منقول بودن<sup>۱۸</sup> و نیز مدرکی<sup>۱۹</sup> بودن مورد قبول نمی باشد. پس دلیل اجماع نمی تواند مبنای حکم سنگسار قرار گیرد.



## سنت

دومین و یکی از عمده ترین دلایل مجازات سنگسار سنت در فقه اهل سنت و شیعه می باشد. اول چند روایت نقل می شود و سپس این روایات بررسی می شوند :

روایت اول: «ابوهریره می گوید ماعز بن مالک خدمت پیامبر (ص) رسید و به او گفت من زنا کردم، پیامبر از او روی گرداند. باز گفت من زنا کردم، دوباره پیامبر از او روی گرداند. سپس تکرار کرد و پیامبر از او روی گردانید. او پس از اینکه چهار مرتبه اقرار به زنا کرد، پیامبر دستور رجم او را صادر کرد و او را سنگسار نمود. همین که مورد اصابت سنگها قرار گرفت فرار نمود. فردی که استخوان شتری را در دست داشت، پس از آنکه به او رسید آن را بر او کوبید و مرد. جریان را به پیامبر خبر دادند. حضرت فرمود چرا او را رها نکردید.»<sup>۲۰</sup>

این روایت علاوه بر اشکال در سند آن، یک روایت واحد می باشد و اثبات چنین حکم بزرگی با روایت واحد کاری بس دشوار است. فقهای در اثبات احکام جزئی فقهی نیز به روایت واحد زیاد اعتماد ندارند.

علاوه بر اینکه این روایت معارض نیز دارد، نمی توان بر اساس این روایت حکم سنگینی مانند سنگسار را تأیید نمود.

روایت دوم: مردی خدمت رسول خدا رسید و به حضرت گفت من زنا کردم. مرتبه دوم که خدمت او رسید آن را تکرار کرد و گفت تحمل عذاب دنیا برای من از عذاب آخرت آسان تر است. پیامبر رو به کسی که با آن مرد بود کرد و گفت آیا دوست شما را اشکالی است؟ (یعنی دیوانه است) گفت نه. چهارمین بار که او اقرار به زنا کرد، حضرت دستور داد برایش گودالی حفر شد و او را در آنجا انداختند. در آن گودال سنگ ها به طرف او پرتاب شد، همین که سنگ ها به او برخورد کردند از گودال خارج شد و پا به فرار گذاشت. زبیر که با وی برخورد کرد با ساق شتری که در دست داشت بر سر او زد و روی زمین افتاد. آن گاه او را به بند کشید و مردم در آن وقت رسیدند و او را کشتند. زمانی که رسول خدا از جریان باخبر شد، فرمود چرا رهایش نکردید؟ سپس فرمود اگر پنهان می داشت و سپس توبه می کرد برایش بهتر بود.<sup>۲۱</sup>

این روایت نیز شبیه به روایت قبلی از نظر سند دچار اشکال می باشد و بعضی از افرادی که در سلسله سند این روایت می باشد مانند محمد بن عیسی بن عبید و یونس، مورد وثوق و اطمینان نمی باشند.

علاوه بر این شرایط رجم که در فقه بصورت مضبوط و دقیق تعیین شده است در مورد رعایت نشده و این مورد بیشتر شبیه به اعدام صحرائی می باشد، در حالیکه این شرایط منطقی باید از همین روایت استنباط شده باشد.

از بررسی کامل روایات مربوط به رجم و سنگسار که معدود می باشد، بعضی از فقها چنین نتیجه گیری نموده اند که این روایات دارای ضعف های متعدد از نظر سلسله سند و وثاقت در آن می باشد و نمی توان بر اساس این روایات حکمی به اهمیت سنگسار را اثبات نمود.<sup>۲۲</sup>

بر این اساس نمی توان سنگسار (رجم) را بر اساس اجماع و یا سنت های واحدی که نمونه هایی از آن ذکر شد اثبات کرد. به همین دلیل است که برخی از فقها معتقد به اجرای و تنفیذ حکم سنگسار برای جرم زنا نمی باشند.

## ب - ۲ - شلاق یا درّه

بر خلاف رجم و سنگسار، مجازات شلاق (دره) برای ارتکاب زنا در قرآن کریم ذکر شده است. در قرآن کریم در آیه دوم سوره مبارکه نور به صراحت ۱۰۰ ضربه شلاق برای زناکار تعیین شده است.

مبتنی بر همین آیه قرآن کریم بصورت اجماعی در فقه اسلامی اعم از فقه شیعه و اهل سنت، جزای زنا (البته غیر محصنه) ۱۰۰ ضربه شلاق تعیین شده است. در عبارت های فقها تصریح به تعیین شلاق برای جرم زنا دیده می شود و اختلافی در این مورد وجود ندارد.

«بکر عبارت است از غیر محصن، در صورت که غیر محصن مرتکب زنا شود به ۱۰۰ ضربه شلاق و یک سال تبعید برای مرد و نه زن محکوم می شود. مالک نیز همین نظر را دارد همچنین اوزاعی، ثوری، ابن ابی لیلی، احمد و شافعی. اما ابوحنیفه شلاق را به عنوان حد می داند و تبعید را تعزیری می داند که در صلاحیت و اختیار حاکم اسلامی و در تبعید فرقی بین زن و مرد نمی باشد.»<sup>۲۳</sup>

اما آنچه در این حکم به شلاق نادیده گرفته شده است وضعیت تاریخی زمان صدر اسلام بوده است. با توجه به زمان صدر اسلام که اصولاً عمد مجازات ها در همه جوامع مجازات های بدنی بوده است، در اسلام نیز منطبق با مقتضیات زمانی همین نوع مجازات بر غالب جرایم تعیین شده بود.

بنابر این در اینکه شلاق عمده ترین نوع مجازات ها در اسلام بوده است و از جمله مجازاتهای بدنی شمرده می شود و مجازات زنا هم در اسلام شلاق و دره بوده است جای شک و شبهه نمی باشد و بنابراین نیازی به بحث از دلایل و ادله فقهی آن نمی باشد اما هم در مجازات سنگسار که در اصل ثبوت آن اشکالاتی وجود دارد و هم در شلاق که در اصل ثبوت آن در اسلام شکی نیست، مباحث دقیق و فقهی مهمی وجود دارد که نیازمند بررسی می باشد. یکی از عمده ترین مباحث که بیانگر روح احکام اسلامی در خصوص جرایم منافی عفت می باشد، راههای اثبات زنا می باشد. راههای اثبات زنا در شریعت اسلامی بگونه ای بیان شده است که بیانگر سیاست سهل گیرانه و

پرده پوشانه اسلام می باشد. در اسلام سعی شده که نسبت به جرایم جنسی با پرده پوشی و عدم افشا و اشاعه این جرایم از امنیت اخلاقی و روانی جامعه دفاع نماید.

### ج - راههای اثبات زنا

آنچه در زمینه مجازات زنا قابل توضیح و تبیین است شرایط ثبوت جرم زنا می باشد. برای اثبات جرم زنا دلایل اثباتی خاصی با شرایط و ویژگی های مشخصی در فقه اسلامی بیان شده است که نخست اعمال و اجرای حد زنا اعم از شلاق یا سنگسار نیازمند اثبات زنا به همان شیوه و طریق تعیین شده می باشد و بعد از همین راههای ثبوت دشوار زنا در اسلام می توان به سیاست جنایی اسلام در زمینه جرایم جنسی مانند زنا پی برد. فهم سیاست جنایی و جزایی اسلام در تبیین و نگرش به احکام جزایی اسلام و تعیین ماهیت و کارکرد آن نهایت اهمیت دارد.

«زنا با اقرار و شهادت اثبات می شود. اما در اقرار بلوغ، عقل، اختیار، آزاد بودن و چهار بار تکرار در چهار مجلس جداگانه شرط است<sup>۲۴</sup>».

در فقه اسلامی راه‌های اثبات زنا ۴ مرتبه اقرار و یا ۴ شاهد عادل که شهادت شان بر اساس مشاهده عینی خودشان استوار باشد می‌باشد.<sup>۲۵</sup> اقرار باید در کمال عقل، بلوغ و اختیار باشد و از هرگونه فشار جسمی و روانی باید پرهیز گردد. زیرا اقرار بر اساس جبر و فشار اعتبار نداشته، اثبات کننده زنا نمی‌تواند باشد.

حتی بیشتر فقها اقرار در ۴ جلسه جداگانه را لازم دانسته‌اند. همچنین شهادت ۴ مرد عادل که خود انجام عمل زنا را به چشم مشاهده نموده باشند. یعنی شهادتی که شاهدان صرف در یک بستر بودن را دیده باشند، اثبات کننده زنا نمی‌باشد و اگر با چنین مشاهده‌ای شهادت بر زنا دهند خودشان به عنوان مفتری مجازات می‌شوند، بلکه شاهد باید خود عمل جنسی را مشاهده نموده باشد. در سیره پیامبر گرامی اسلام مشاهده شده است که عدم تمایل حضرت را به استماع اقرار نمایان می‌سازد.

«در شهادت، شهادت بر زنا کمتر از چهار مرد عادل یا سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن برای اثبات زنا کفایت نمی‌کند. اگر تعداد شهود کمتر از موارد ذکر شده باشند، زنا اثبات نمی‌شود و شهود به دلیل تهمت مستحق حد قذف می‌باشند. باید شهادت شان بر اساس مشاهده اصل عمل زنا بدون علم به حلالیت عمل مزبور باشد. علاوه بر آن باید در رابطه با زمان و مکان زنا مانند کدام روز و ساعت و کدام گوشه از خانه تطابق داشته باشد. در غیر این صورت شهود مستحق حد تهمت می‌شوند<sup>۲۶</sup>».

همچنین واضح بودن شهادت نیز شرط پذیرش شهادت می باشد. یعنی مشاهده عمل جنسی شرط است نه باهم خوابیدن و در یک بستر خوابیدن.

بنابراین آنچه در احکام متعالی اسلام دیده می شود با آنچه در عمل گاهی در افغانستان و به نام اسلام انجام می شود تفاوت بسیار زیاد می باشد.

در اکثر موارد اجرای مجازات های مانند شلاق و یا سنگسار در افغانستان، با همه اما و اگرهایی که در اصل مجازات سنگسار وجود دارد، منطبق با معیارهای اسلامی نمی باشد. صدور حکم توسط افرادی که غالباً هیچ آگاهی درست از احکام اسلامی ندارد و یا با کمترین آموزش دینی و فقهی و جهل به شرایط اثبات این جرایم و ناآگاهی از سیاست حاکم بر فلسفه مجازات ها و درک سیاست جزایی اسلام، بخصوص در زمینه جرایم جنسی، خود غیر اسلامی می باشد.

اخذ اقرار به اکراه و با فشار، عدم رعایت عدالت در شهود، شهادت بر اساس شایعات و امثال آن موجب تخطی از مسیر عدالت و احکام اسلامی می باشد.

سیاست اسلام در زمینه جرایم جنسی مبتنی بر پرده پوشی و عدم ورود به نهانگاههای اشخاص است. نشانه چنین سیاستی در اسلام روش پیامبر و پیشوایان اسلام در مواجهه با این مسایل است.

اینکه در اسلام افترا (قذف) به عنوان یک جرم، جرم انگاری شده است و اینکه برای اثبات زنا ۴ شاهد عادل مرد لازم شمرده شده و در صورت کم بودن تعداد شهود، شهود به عنوان مفتتری حد می خورند، خود بیانگر رویکرد و سیاست حفظ آبروی مسلمانان و پرده پوشی نسبت به مسایل خانوادگی و عفت جامعه است. از نظر اسلام به همان اندازه که بی عفتی به جامعه آسیب میزند و آن را دچار تزلزل می کند و از هم می پاشاند و روابط اجتماعی را پست و منحط می سازد و اخلاق را تباه می کند، ایجاد شایعه و پرده دری نیز پایه های اعتماد و اطمینان جامعه را سست و متزلزل می سازد. بنابر این در قرآن کریم به صراحت به افترا توجه شده و جرم انگاری گردیده است. در آیه چهارم سوره مبارکه نور خداوند متعال بیان فرموده است که:

«والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا باریعه شهداء فاجلدونهم صمانین جلدہ و لا تقبلوا منہم شہادہ ابدًا اولئک ہم الفاسقون».

کسانیکه به زنان عقیفه نسبت ناروا می دهند و پس از آن چهار شاهد نیاورند، باید هشتاد تازه بر آنها زده شود و هیچگاه شهادت آنها پذیرفته نشود. آنان از فاسقان بشمار می آیند.



همچنین لازم است که به مجازات‌ها از منظر حقوق جزا و اهداف مجازات‌ها نیز توجه نماییم. حقوق بطور کلی و حقوق جزا مشخصاً برای حفظ نظم و برقراری امنیت اجتماعی و عدالت است و یکی از مهمترین اهرم‌های کنترل اجتماعی شمرده می‌شود. بنابراین حقوق جزا و مجازات‌ها خود ذاتاً هدف نیستند و خیر ذاتی ندارد و ذاتاً منفی می‌باشند، بلکه وسیله برای رسیدن به هدف دیگری می‌باشد که همان حفظ نظم، برقراری امنیت و عدالت اجتماعی و کنترل اجتماعی می‌باشد.

معطوف به همین مسئله، مجازات مشروعیت خود را از هدف خود کسب می‌کند و در صورتی که مجازاتی وسیله رسیدن به یک هدف نباشد و در عمل به هدف مورد نظر نرساند، نه تنها خود این مجازات مشروع نخواهد بود، بلکه حتی مشروعیت کل نظام را زیر سؤال می‌برد و جامعه را در رسیدن به اهدافی که در ورای مجازات‌ها ترسیم و تعیین شده است موفق نمی‌سازد. اجرای چنین مجازاتی نمی‌تواند مشروع باشد. با توجه به تحولاتی که در طول زمان و تغییر شرایط و مکان ایجاد شده و می‌شود، یک مجازات خاصی می‌تواند کارایی خود را از دست دهد. در چنین شرایطی ادامه مجازات بدون توجه به ناتوانی آن در وصول به هدف طراحی شده و مد نظر، خود فاقد توجیه عقلی و منطقی می‌باشد.

نقش زمان و مکان و شرایط اجتماعی در استنباط احکام فقهی که مورد تأکید فقهای بزرگ است ریشه در همین مسئله دارد. زیرا تغییر در شرایط و زمان و مکان موجب تحول در حکم نیز می شود. قابل توجه است که جاویدانی بودن اسلام و احکام اسلامی با این مسئله هیچ تعارض و تناقضی ندارد.

منظور از تأثیر زمان و مکان این نیست که قوانین اسلام از عرف و یا خواهشهای نفسانی ملتها تبعیت کند یا جای خود را به قوانین عرفی بدهد که نتیجه آن تعطیلی اجرای احکام اسلام باشد بلکه غرض آن است که باید احتیاجات واقعی بشر و انواع تحولات به وجود آمده شناخته شده و قوانین هماهنگ با آن از منابع اسلامی توسط متخصصان امور استخراج و به جامعه عرضه گردد.

بر این اساس، مقررات اسلام ضمن آنکه موجودیت و استقلال خود را حفظ می کند باید بتواند خود را با واقعیتهای جدید و نیازهای واقعی بشر (نه خواهشهای نفسانی او) هماهنگ سازد<sup>۲۷</sup>.

آنچه جاویدانی است، خود اسلام و اصول اساسی اسلام است که پایه های اسلام را تشکیل می دهد، نه نحوه اجرای مجازات که باید در همه زمانها و با همه شرایط وفق داشته باشد و جامعه به اهدافش که حفظ اسلام و اصول اساسی آن مانند عدالت و نفی برتری جویی و تبعیض اجتماعی، فضیلت تقوا و شرافت و کرامت انسان است.

بنابر این با توجه به عدم اتقان دلایل رجم و سنگسار از منظر فقهی و بشری دانستن معارف دینی که خطا در آن راه دارد و با توجه به عدم پذیرش مجازات های بدنی در عصر حاضر، و عدم بازدارندگی آن، اصرار بر اجرای نوع خاصی از مجازات نمی تواند مطابق با آموزه های بنیادین اسلامی باشد.

عبور از برخی از مجازات ها که در صدر اسلام معمول و رایج بوده است، امر بدعت و جدیدی نمی باشد و مخالفت فقها را نیز در این موارد در پی نداشته است. توجه به اینکه در صدر اسلام مجازات ها اعم از حدود و تعزیرات غالباً مجازات های بدنی بوده، اما امروزه مجازات زندان نحوه مسلط مجازات ها می باشد و اجرای آن بجای مجازات های بدنی رایج در صدر اسلام مخالف اسلام و تعطیل احکام اسلام دانسته نشده است. چنین مسئله ای در سایر مجازات ها نیز ممکن و مشروع می تواند باشد.

## فصل دوم: خشونت علیه زنان و قتل های ناموسی

یکی از معضلات جوامع مرد سالار و مشخصا افغانستان میزان بالای خشونت علیه زنان و به خصوص قتل های ناموسی است. قتل های ناموسی و خشونت علیه زنان مقوله ای است که ریشه های تاریخی و فرهنگی عمیق دارد و رفع آن نیز نیازمند تحول فرهنگی است. آسیب خشونت علیه زنان و قتل های ناموسی به زنان منحصر نمی باشد و دامنگیر کل جامعه است و با فروپاشی کانون خانواده و تبدیل محیط مودت و مهربانی به خشونت و بی رحمی، موجب نا امنی در جامعه می شود. در افغانستان قتل های ناموسی و خشونت علیه زنان آبش خور سنتی و فرهنگی دارد و کمتر ریشه در احکام فقهی اسلامی دارد.

## گفتار اول: خشونت علیه زنان

در این نوشتار در ابتدا تعریفی از خشونت ارائه می شود و سپس آسیب های خشونت برای جامعه و خانواده به عنوان رکن اصلی آن تحلیل شده و در نهایت بحث های فقهی این مسئله بررسی می شود.

### الف - تعریف خشونت علیه زنان

در فقرة ۲ ماده ۳ قانون منع خشونت علیه زنان تعریف ذیل از خشونت علیه زنان ارائه شده است:

«خشونت ارتکاب اعمال مندرج ماده پنجم این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال یا روان زن می گردد».

ماده ۵ این قانون اعمالی که مشمول تعریف خشونت می شوند را بر شمرده است.

«ارتکاب اعمال ذیل علیه زن خشونت شناخته می شود:

۱- تجاوز جنسی

۲- مجبور نمودن به فحشا

۳- ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند

- ۴- آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و یا سایر مواد ضررناک
- ۵- مجبور نمودن به خود سوزی یا خود کشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک
- ۶- مجروح یا معلول نمودن
- ۷- لت و کوب
- ۸- خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج
- ۹- بد دادن
- ۱۰- نکاح اجباری
- ۱۱- ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج
- ۱۲- نکاح قبل از اكمال سن قانونی
- ۱۳- دشنام، تحقیر و تخویف
- ۱۴- آزار و اذیت

۱۵- انزوای اجباری

۱۶- اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر

۱۷- منع تصرف در ارث

۱۸- منع تصرف در اموال شخصی

۱۹- ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی

۲۰- کار اجباری

۲۱- ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده ۸۶ قانون مدنی

۲۲- نفی قرابت

موارد مذکور در ماده فوق رایج ترین نوع خشونت در افغانستان علیه زنان است.

## ب - آسیب های خشونت علیه زنان

در گزارش ها و اخبار روزانه شاهد انواع خشونت های جسمی و روانی علیه زنان در مانند لت و کوب زنان توسط مردان و همچنین توسط خود زنان، سوء استفاده جسمی و جنسی و آسیب روانی در قالب تحقیر توهین، سلب اراده و اختیار و ... آن هستیم.

بد رفتاری با زنان در محیط خانواده در همه کشورهای جهان مسئله ای کاملاً رایج و دارای عواقب و نتایج وخیمی است. اگرچه خشونت علیه زنان در خانواده از قدیم الایام وجود داشته اما تنها چند سالی است که کشورهای مختلف جهان آن را به عنوان مسئله مهمی تلقی کرده و به اقداماتی به منظور رسیدگی به وضعیت بغرنج زنان قربانی سوء رفتار دست زده اند.<sup>۲۸</sup>

خشونت علیه زن عواقب خطرناکی مانند از هم پاشیدگی کانون خانواده، انحراف در تربیت اطفال، آموزش خشونت به نسل های آینده دارد. این آسیب ها صرفاً به زنان منحصر نیست و کلیت جامعه را آسیب میزند.



## ج - خشونت علیه زن در فقه اسلامی

موارد بر شمرده شده در ماده ۵ قانون منع خشونت علیه زنان عموماً از منظر فقه ممنوع بوده و اکثراً جرم دانسته شده است. صرفاً برخی از موارد بر شمرده شده در فقه حکم کمی متفاوت از قانون منع خشونت علیه زن دارد.

در آن موارد نیز که حکم متفاوت وجود دارد انگیزه‌ها متفاوت می‌باشد. ازدواج و نکاح قبل از اكمال سن قانونی که برای پدر نسبت به دختر خرد سال در فقه اسلامی اجازه داده شده است، منوط به غبطه و مصلحت دختر می‌باشد، نه خواست و منفعت پدر و یا دیگران. همچنین منوط نمودن ازدواج دختر به اذن و اجازه پدر که مبتنی بر فقه اسلامی می‌باشد در راستای حفظ مصلحت دختر است نه برای ممانعت خود سرانه و بی دلیل.

ممانعت از حق کار که اغلب برای زنان می‌باشد که ازدواج نموده‌اند بر اساس این فرض است که همسر متکفل مخارج زن می‌باشد و نیازی به کار نمی‌باشد. با آنهم این مورد از جمله احکام تکمیلی می‌باشد که با توافق در حین عقد تحت عنوان شروط ضمن عقد، زن می‌تواند از حق کار، تحصیل و ... بهره‌مند باشد.

در زمینه خشونت علیه زن - اعم از خشونت جسمی، جنسی و روانی - فقه اسلامی با حقوق موضوعه همداستان است و بر همین اساس خشونت علیه زن هم در فقه اسلامی و هم در حقوق موضوعه و قوانین افغانستان ممنوع می باشد.

آنچه در افغانستان رخ می دهد ریشه در فقه و معارف دینی ندارد و سرچشمه آن در فرهنگ و رسوم قبیلی و قومی جاهلیت می باشد. تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشا، نکاح اجباری، آزار و اذیت، دشنام، تحقیر و تخویف و ... همگی عناوین مجرمانه است و در فقه اسلامی منع شده است.

## گفتار دوم: قتل‌های ناموسی

یکی از مواردی که جدی‌ترین نوع خشونت علیه زن انجام می‌شود و خصوصاً در کشورهای اسلامی شایع‌تر است، قتل‌های ناموسی است. در قتل‌های ناموسی، زن و دختری که متهم به ارتباط جنسی با مرد بیگانه باشد اغلب به قتل میرسد. اگرچه می‌توان گفت قتل‌های ناموسی از یک جامعه و منطقه به جامعه و منطقه دیگر در جزئیات متفاوت می‌باشد.

ریشه قتل‌های ناموسی را می‌توان در فرهنگ و رسوم قبیله‌ای جستجو نمود که چنین شایعه و اتهامی را ننگ و عار می‌دانند و برای زدودن چنین ننگی از دامان خانواده اقدام به قتل دختر و زن متهمه می‌نمایند تا با قتل این عضو از خانواده خود، دامن خود را از این لکه ننگ پاک کنند. البته دفاع از ناموس بصورت خاص ریشه در قانون و فقه نیز دارد. چنانچه در ماده سه صد و نود و هشتم قانون جزا آمده است:

«شخصی که با اثر دفاع از ناموس، زوجه یا یکی از محارم خود را در حالت تلبس به زنا یا وجود او را با شخصی غیر در یک بستر مشاهده و فی الحال هر دو یا یکی از آنها را به قتل رسانده یا مجروح سازد از جزای قتل و جرح معاف اما تعزیراً حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد».

بر اساس این ماده معافیت از مجازات قتل به دلیل دفاع از ناموس زمینه شده است که بدون رعایت شرایط مندرج، از این ماده سوء استفاده صورت گیرد.

البته این حکم ریشه در فقه دارد. زیرا یکی از شرایط قصاص محقون الدم بودن مقتول است و فقها مواردی را که شخص محقون الدم نیست بر شمرده است که از جمله آن موارد ارتکاب جرم زنا است.<sup>۲۹</sup>

اگر به اطلاق این فتوای فقهی استناد گردد، هرج و مرجی ایجاد می شود که غیر قابل کنترل است. همچنین چنین فتوایی منحصر به مرد نمی باشد. ضمن اینکه مجازات زنا در همه موارد قتل نیست. با توجه به این موارد ضمن اشکال داشتن این حکم فقهی، در عمل نیز موجب سوء استفاده شده است.

پس ماده مربوطه قانون جزای افغانستان که مستنبط از فقه می باشد دارای ایراد و اشکال می باشد.

## فصل سوم: ازدواج اجباری

ازدواج اجباری از موارد خشونت علیه زن است که به دلیل اهمیت موضوع و شیوع نسبتاً زیاد آن در فصلی جداگانه بررسی می شود.

ازدواج پیوند حقوقی - عاطفی است که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می گردد و به آنها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این پیوند حق تمتع جنسی است.<sup>۳۰</sup> این پیوند از طریق حقوق و ضوابطی استحکام پیدا می کند که باید رعایت شود زیرا با ایجاد چنین پیوندی خانواده ای به وجود می آید و خانواده پایه ی جامعه را تشکیل می دهد. اهمیت خانواده ایجاب می کند که در سلامت آن باید دقت زیادی صورت گیرد تا خانواده سالم و به دور از کشمکش ها و ناهنجاریها به وجود آید و از طریق سلامت خانواده می توان سلامت جامعه را حفظ و تضمین نمود. در دین اسلام ازدواج و تشکیل خانواده یک امر مقدس و سنت حسنه ی پیامبر اسلام صل الله علیه واله وسلم به شمار آمده است. حدیث شریف پیامبر است که فرمودند:

«النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي».

ازدواج همانند هر قرارداد دیگری نیاز به فراهم بودن ارکان اساسی مانند رضایت طرفین عقد، اراده و آزادی اراده به دور از جبر و اکراه دارد. در صورت عدم فراهم بودن شرایط اساسی، ازدواج همانند سایر قراردادها باطل و بی اثر است.

## گفتار اول: تعریف ازدواج اجباری

در تعریف ازدواجهای اجباری می توان گفت که ازدواج اجباری عبارت از آن است که «مرد و یا زن» بدون رضایت و موافقه با توسل به زور، جبر، تهدید، اغوا، فریب، فشار روحی، پول و یا مجبوریت های مختلف، قومی و یا فامیلی مجبور به ازدواج شوند. در افغانستان به دلیل سنتی بودن جامعه ازدواجهای اجباری بسیار شایع است و متأسفانه پیامدهای ناگواری از قبیل مرگ و میر مادران به دلیل بارداری زودهنگام، اختلافات خانوادگی، فرار از منزل، خودسوزی و خودکشی را به دنبال دارد. یکی از مهم ترین پیامدهای ازدواجهای اجباری احساس حقارتی است که در شخص ایجاد می شود و باعث می شود که تحت تأثیر این احساس حقارت به هر اقدامی دست بزند.

## گفتار دوم: عوامل ازدواج اجباری

متأسفانه در افغانستان ازدواجهای اجباری بسیار شایع و یک امر عادی است. برخی از مهمترین دلایل ازدواجهای اجباری را می توان به صورت زیر بیان نمود:

### الف – اجبار والدین

مهمترین عامل اجبار در ازدواجهای اجباری والدین هستند. والدین با انگیزه‌هایی مانند مصلحت اندیشی، باورهای دینی، فقر، انگیزه‌های مالی و اعتیاد دختران شان را وادار به ازدواجهای اجباری می نمایند. در بسیاری موارد والدین از سر دلسوزی دختران خرد سال شان را به اجبار به ازدواج وادار می کنند به این امید که شاهد خوشبختی آنان باشد و معتقدند که به دلیل داشتن تجربه بیشتر بهتر از دختران شان مصلحت آنان را تشخیص می دهند. گاهی هم فقر و تنگ دستی والدین باعث می شود که با انگیزه‌های مالی دختران شان را به ازدواج کسانی در آورند که حاضر به پرداخت پولی بیشتری به آنان است. در این اواخر مشکل جدیدی که دامن گیر جامعه شده است و در ازدواجهای اجباری و فروش دختران سهم قابل توجه دارد اعتیاد به مواد مخدر است. والدین معتاد برای به دست آوردن هزینه زندگی

و تأمین نیازهای مالی شان به راحتی اقدام به فروش دختران شان و اجبار آنان به قبول ازدواج با کسانی که هیچ تناسبی ندارند می نماید.

### **ب - اجبار سرپرست**

ازدواجهای تحمیلی در میان دختران که پدر خود را از دست داده‌اند و سرپرستی آنان را کسانی دیگر غیر از پدر به عهده دارند شایع ترند. سرپرستان از قبیل برادر، کاکا و ناپدری به دلایل مادی و بدون توجه به خواست دختران، آنها را مجبور می کنند که با فرد مورد نظر آنها ازدواج کنند.

### **ج - خواست خود زن**

در برخی موارد خود زنان باعث تحمیل ازدواج به خود شان می شود. این عامل را می توان به دو صورت عمده مورد توجه قرارداد. یک قسم این ازدواجها، ازدواجهای است که به دلیل از خود گذشتگی یا با انگیزه فداکارانه صورت می گیرد. موارد زیادی وجود دارد که دختران به خاطر شرایط بد اقتصادی خانواده اقدام به ازدواج با افرادی می نمایند که هیچ علاقه‌ای به آنان ندارد و فقط برای بهبود وضعیت زندگی خانواده و والدین تن به این نوع ازدواج می دهند.



نوعی دیگری از این ازدواجها به خاطر ایجاد شرایط حیثیتی است که عامل آن خود دختران می توانند باشد. موارد زیادی وجود دارد که به دلیل دوستی خیابانی، رفت و آمدهای دوستانه و داشتن تصویر یا فیلم با دوستان و سو استفاده از این تصاویر مجبور به پذیرش ازدواجهایی می شوند که اصلا تمایلی به آن ندارند.

#### **د - رسوم و عنعنات**

در کشور ما یکی از عوامل ازدواجهای اجباری آداب و رسومی است که ازدواج را بر دختران تحمیل می نماید. مهم ترین این عنعنات بد دادن می باشد. هنوز در کشور ما زنان به عنوان خون بهاء به ازدواج یکی از اقربای شخص مقتول به عنوان خون بهاء در می آید و در این پروسه دختران به عنوان قربانیان اصلی هیچ اراده و اختیاری ندارند و مجبورند به فیصله قومی و قبیله این تن دهند.

#### **گفتار سوم: اسلام و ازدواج اجباری**

در قرآن کریم هیچ آیه ای وجود ندارد که ازدواجهای اجباری را تجویز کند یا اینکه اختیار زنان را به مردان بدهد. تنها آیه ای که در قرآن کریم مرتبط با این موضوع وجود دارد آیه ۳۴ سوره نساء می باشد.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.

«مردان سرپرست زنان است به خاطر برتری‌های که بعضی انسانها نسبت به بعضی دیگر دارد و به دلیل تأمین هزینه زندگی.»

در این آیه بحث سرپرستی مردان مطرح شده که به گفته اکثر مفسرین قرآن شریف، این سرپرستی محدود در روابط زن و شوهر است و سرپرستی مجوزی برای ازدواجهای تحمیلی و اجباری نیست. از سوی دیگر ازدواج یک قرارداد است و به اتفاق همه فقهاء و حقوقدانان یکی از شرایط صحت هر قراردادی وجود اراده آزاد به دور از هرنوع اجبار و اکراه مادی و معنوی می باشد.

آیه دیگری که در این زمینه می تواند مورد بررسی قرار بگیرد، آیه ۲۱ سوره روم می باشد:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

«از نشانه های خداوند این است که برای شما از خودتان زنانی آفرید که بخاطر ازدواج با آنان به آرامش برسید و بین شما محبت و دوستی قرارداد.»

این آیه در مورد ازدواج تأکید به آرامش و محبت و دوستی دارد در حالیکه ازدواجهای اجباری بر خلاف این حقیقت قرآنی است. ازدواجهای اجباری نه تنها باعث آرامش نیست بلکه مایه اضطراب، تشویش و فشارهای روانی است که به زنان وارد می گردد. از این رو

می توان گفت که آن هدفی را که قرآن کریم در این آیه بر آن تأکید کرده است، ازدواجهای اجباری مخالف این هدف قرآنی و مردود است.

تنها بحثی که در این خصوص مطرح شده است اختیارات ولی است. از نظر دینی اطفال تا زمانی که به بلوغ و رشد نرسیده اند تحت ولایت پدر قراردارند و اینکه ولایت به پدر حق تحمیل ازدواج تحمیلی را می دهد یا خیر مورد بحث است. در قرآن کریم آیه ای که این مجوز را بدهد وجود ندارد و در احادیث مطرح شده هر دو دیدگاه وجود دارد. هم روایاتی که این مجوز را به پدر می دهند و هم روایاتی که این اجازه را به پدر نمی دهد. به همین دلیل است که در این خصوص فقهای اسلامی اختلاف نظر دارد و دیدگاه واحدی حاکم نیست. از سوی دیگر بر فرض قبول چنین حقی برای پدر شرایطی خاصی برای آن مطرح شده است از قبیل رعایت مصلحت دختر صغیر و امثال اینها که در ازدواجهای تحمیلی مروج در کشور این شرایط به هیچ وجه مراعات نمی گردد.

## منابع<sup>۲۱</sup>

<sup>۱</sup> و جعلناک خلیفه فی الارض

<sup>۲</sup> لقد کرمننا بنی آدم و جعلناہ

<sup>۳</sup> نامه امام علی (ع) خلیفه چهارم مسلمین و امام اول شیعیان به مالک اشتر والی مصر

<sup>۴</sup> یا بنی آدم انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایله لتعارفوا إن اکرمکم عند الله اتقی کم

<sup>۵</sup> تقسیم رایج جرایم بر اساس مجازات شان در اسلام به سه قسم حدود، قصاص - دیت و تعزیرات است. چنانچه این تقسیم در ماده

۱ قانون جزای افغانستان ذکر شده است. ماده اول این قانون جرایم و جزاء های تعزیری را تنظیم می نماید. مرتکب جرایم حدود،

قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می گردد.

<sup>۶</sup> سرخسی، بن احمد بن ابی سهل شمس الأئمة السرخسی، المبسوط، ج ۹، دار المعرفه - بیروت، ۱۴۱۴هـ-۱۹۹۳م، ص ۳۶

و العوده، عبد القادر، التشریح الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، ج ۲، دار الکاتب العربی، بیروت ص ۳۴۳-۳۴۴.

<sup>۷</sup> العوده، همان، ج ۲، ص ۳۴۵. البته در کتاب بدایع الصنایع که یکی از کتاب های مهم فقهی در فقه حنفیه می باشد تعداد جرایم حدی

را ۵ جرم شمرده است. الخُدُودُ خَمْسَةٌ أَنْوَاعٌ: حَدُّ السَّرِقَةِ، وَحَدُّ الزَّانَا، وَحَدُّ الشُّرْبِ، وَحَدُّ السُّكْرِ، وَحَدُّ الْقَذْفِ.

حد سرقت، زنا، شرب خمر، مستی و سکر و قذف. بنگرید: علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الکاسانی الحنفی (المتوفی:

۵۸۷هـ)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۷، دار الکتب العلمیة، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م، ص ۳۳.

<sup>۸</sup> محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ایران، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه ق، ص ۱۳۶.

<sup>۹</sup> نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۱، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم،

۱۴۰۴ ه ق، ص ۲۵۸.

<sup>۱۰</sup> قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه - مترجم: غفاری، علی اکبر و محم، من لا یحضره الفقیه - ترجمه، ۶ جلد، نشر صدوق،

تهران - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه ق، ص ۳۳۲.

<sup>۱۱</sup> علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الکاسانی الحنفی، پیشین، ج ۷، ص ۳۳.

<sup>۱۲</sup> نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، لبنان - بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه ق. ص ۲۵۸.

<sup>۱۳</sup> سرخسی، پیشین، ج ۹، ص ۳۶.

<sup>۱۴</sup> آیه دوم سوره نور، الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مأة جلده . با آنکه در این آیه مبارکه خداوند عظیم الشأن در صدد بیان

حکم زنا بوده است؛ اما از رجم و سنگسار بیانی وجود ندارد.

<sup>۱۵</sup> کدخدایی، محمد رضا، باقرزاده، محمد رضا، بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر، معرفت حقوقی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۱.

<sup>۱۶</sup> طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷ هـ ق، ص ۳۶۵.

<sup>۱۷</sup> جناتی، محمد ابراهیم، بررسی مبانی فقهی رجم (سنگسار) ثبوتاً و اثباتاً، مجله فقه، سال هفدهم، شماره ۶۵، ص ۱۲۵.

<sup>۱۸</sup> اجماع منقول در مقابل اجماع محصل، اجماعی است که فقیه آن را از فقیه دیگری نقل نموده باشد و خود آن را به دست نیاورده باشد.

<sup>۱۹</sup> اجماع مدرکی به اتفاق ارای فقها در یک مسئله گفته می شود که بر اساس ادله فقها به آن حکم نموده باشد.

<sup>۲۰</sup> ابن ماجه، سنن، حدیث ۲۵۵۴. و عبد الله بن بریده همانند این خبر را از پدرش نقل نموده است. احمد بن حنبل شیبانی، مسند، ج ۳، ص ۲.

<sup>۲۱</sup> کلینی، کافی، ج ۷، ص ۱۸۵. و شیخ طوسی، تهذیب الاحام، ج ۱۰، ص ۸.

<sup>۲۲</sup> جناتی، محمد ابراهیم، پیشین، ص ۱۳۶.

<sup>۲۳</sup> طوسی، همان، ص ۳۶۵.

<sup>۲۴</sup> حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ ق، ص ۱۳۶.

<sup>۲۵</sup> نجفی، محمد حسن، پیشین، ص ۲۷۹.

<sup>۲۶</sup> حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، همان، ص ۱۳۹-۱۴۰

<sup>۲۷</sup> دهقان، حمید، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) تابستان ۱۳۷۷ - شماره ۴۰ ص ۷۳.

<sup>۲۸</sup> معظمی، شهلا، حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳، ص ۲۲۲.

<sup>۲۹</sup> نجفی، محمد حسین، همان، ج ۲، ص ۱۲.

<sup>۳۰</sup> محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۱، ص ۲۲.